

پیشینه تاریخی و تاسیس دانشگاه و بیمارستان در جندی شاپور

دکتر رضا رضالو، مژگان رستمی

استادیار گروه باستان شناسی دانشگاه محقق اردبیلی

دانش آموخته کارشناسی ارشد باستان شناسی دانشگاه محقق اردبیلی

Reza_rezaloo@yahoo.com

تاریخ دریافت ۹۴/۵/۱۲ تاریخ پذیرش ۹۴/۶/۱۶

چکیده

شهر جندی شاپور در تاریخ دولت ساسانی برای اولین بار، در زمان شاپور اول (۲۷۱-۲۴۱م) دومین پادشاه ساسانی اشاره شده است. این شهر برای اولین بار در زمان شاپور اول و به دست اسرای رومی و با نقشه شهری شطرنجی بنیان نهاده شد. این شهر در زمان شاپور دوم گسترش زیادی یافت و دانشگاه معروف آن تأسیس گردید. در زمان خسرو انوشیروان بیمارستان بزرگی در این شهر ایجاد و دانشگاه پزشکی آن توسعه داده شد. این مرکزیت طبی تا اواسط خلافت عباسی و حتی بعد از فروپاشی سلسله ساسانی دوام آورد. در نتیجه اهتمام و سعی پادشاهان ساسانی و جذب اساتید پزشکی رومی و هندی و ایرانی، این شهر بعنوان یکی از کانون های طبی در دوره ساسانی و اوایل اسلامی به شمار می آمده است. این تحقیق به بررسی پیشینه این شهر و تاسیسات آن پرداخته است.

واژگان کلیدی: جندی شاپور، پیشینه تاریخی، دانشگاه، بیمارستان.

مقدمه

شهر جندی شاپور در هیجده کیلومتری دزفول کنونی و چهل و هشت کیلومتری شوشتر و پنجاه کیلومتری شوش، قرار گرفته است. نام پهلوی جندی شاپور، جتا شاپیرتا- به معنای باغ زیبا- یا «منزل شادی‌ها» بوده که هر دو اسم حکایت از آب و هوای خوب این شهر داشته است. جندی شاپور از شهرهای معروف زمان ساسانیان بوده که مرکز بافت پارچه‌های پشمی و ابریشمی، زردوزی و بافته‌های گلیم و قالی است. این شهر از همان بدو تاسیس، بعنوان یک مرکز علمی و طبیی، بسیار مهم بوده است. در این مقاله سعی شده تا بررسی تاریخیچه این شهر از بدو تاسیس تا زوال آن پرداخته شود.

ظهور ساسانیان و قلمرو این دولت

اردشیر پسر کهنتر بابک، موبد معبد آناهیتا در استخر بود. بابک پسر یا شاید دست پرورده ساسان بود که دودمان ساسانی نام خود را از وی گرفته و احتمالاً در دوران بلاش چهارم بر پارس حکومت می‌کرده است. زمانی که بابک شاه گردید با استفاده از سستی پارتها، بخش اعظم استان پارس را متحد ساخت (هرمان، ۱۳۷۳: ۸۴). با استقرار حاکمیت ساسانیان به دست اردشیر بابکان، بتدریج وحدت سرزمینهای ایرانی دوباره تحقق پذیرفت. اردشیر که در سال ۲۲۶م. در تیسفون رسماً تاجگذاری کرد و شاهنشاه ایران خوانده شد، ایجاد وحدت و تمرکز را در سراسر ایران برای مقابله با آشفتگی اوضاع کشور پس از سقوط اشکانیان و برقراری نظم در سراسر ایران لازم می‌دید و حتی برخلاف بسیاری از پادشاهان پیش از خود که تسامح را وسیله ضروری برای تضمین تحقق این امر می‌شمردند، استقرار یک

آیین رسمی و اتحاد بین دین و دولت را در وجود شخص فرمانروا، شرط لازم می‌دید (زرین‌کوب، ص ۱۱). با استقرار خاندان ساسانی بر تخت سلطنت ایران، ساختار تازه ای از قدرت و حاکمیت در ایران شکل گرفت، اما در مدت بیش از چهار قرن، حکمرانی این سلسله، همواره روند یکنواختی نداشت و ساختار قدرت و حاکمیت ساسانیان به علت بروز رویدادهای داخلی و خارجی، در تحول و تطور بود (همان: ۱). بر طبق اسناد و مدارک بدست آمده، دامنه متصرفات زمان ساسانیان از فرات تا جیحون ادامه داشته و در طول بیش از ۴۰۰ سال حکومت، به علت درگیری و برخوردهای سیاسی بین ایران و روم از غرب و کوشانی‌ها و هیاطله و ترکهای شمال ایران از شرق، دامنه متصرفات در نوسان بوده است (سرفراز، فیروزمندی، ۲۴۶، ص ۱۳۸۳). آمین مارسلین یکی از مورخین رومی که آخرین تاریخ نویس قرن چهارم میلادی می باشد حوزه متصرفات و دامنه گسترش و نفوذ حکومتی ساسانی را چنین می‌نویسد: آشور، خوزستان، بین النهرین، مادیا آذربادگان، پارس، پارت یا طبرستان، کرمان، گرگان، مرو، بلخ، سغد، سکستان، زرنگ، اراخوزی یا کابل، گدروشیه یا بلوچستان. مختصر آنکه از قندهار خطی کشیده و باختر و سغد و خوارزم و هرات و مرو در خاور و گیلان و مازندران و آذربادگان و قفقاز در شمال و فارس و کرمان و بلوچستان و خوزستان در جنوب و ارمنستان و کردستان و موصل و عراق در باختر، در حدود ایران شمرده می‌شود. سایر مورخین نیز کم و بیش با استفاده از نوشته‌های این مورخ، یا سایر نوشته‌های صدر اسلام، مانند تاریخ طبری، مسعودی، ثعالبی، ابن قتیبه و کتاب شهرهای ایران سود جستند که

ظاهر می‌شوند، می‌توان تاثیر فرهنگ‌های دیگر اقوام را نیز جستجو کرد. شکل شهرها از دوره سلوکیان و پارت‌ها به تدریج در پیروی از قواعد و روال‌های کمابیش معین، استوار شده است و برخی از شهرها به شکل شطرنجی احداث شدند. اغلب این شهر دارای دو راه اصلی متقاطع و راه‌ها و کوچه‌ها به موازات آنها بودند. سابقه چنین طرح‌های به مصر باستان بر می‌رسید و می‌توان آن را زایده اندیشه کسانی دانست که با کشاورزی و نحوه تقسیم کار زمین و شبکه آبیاری، آشنا بودند (سلطانزاده، ۱۳۶۵، ص ۷۲، ۷۳).

از جمله شهرهایی که در دوره ساسانی نقشه مستطیلی داشتند بیشاپور و جندی شاپور بود که با طرح و نقشه قبلی ساخته شده‌اند. بنا به دلایل عملی همیشه یک نقشه منظم دارند و آن‌ها اکثراً به شکل مستطیل شبکه‌بندی شده‌اند الا پلان‌های مدور متحدالمرکز که از این الگو مستثنی هستند (هوف، ۱۳۶۵، صص ۸-۱۷۷).

موقعیت جغرافیایی شهر جندی شاپور

شهر جندی شاپور در هیجده کیلومتری دزفول کنونی و چهل و هشت کیلومتری شوشتر و پنجاه کیلومتری شوش قرار داشته و در واقع منطقه‌ای میان شوشتر و دزفول و شوش بوده که فاصله آن از شوشتر و شوش تقریباً برابر بوده است. این شهر درست در شمال خوزستان و کنار رودخانه فصلی سیاه منصور واقع شده است. امروز هیچ اثری از آن شهر عظیم و تاریخی برجای نمانده و حتی خرابه‌های آن نیز به چشم نمی‌خورد. محلی را که شاپور برای ایجاد شهر در نظر گرفته بود، محلی بسیار مناسب و سبز و خرم بوده و امروز نیز با وجود آنکه

همچنان تا حدود ۵۰ سال پیش، این نوشته‌ها به عنوان تنها اسناد و مدارک زمان ساسانی مورد قبول و تحقیق قرار می‌گرفت. اما با پیدا شدن کتیبه زردتشت در سال ۱۳۱۶ ه.ش، توسط اریک اشمیت، کاوشگر علمی تخت جمشید در نقش رستم فارس و مطالعه و انتشار تدریجی آن از سال ۱۹۵۷ م تاکنون که هنوز هم ادامه دارد، بسیاری از مسائل سیاسی و اجتماعی فرهنگ و تمدن دوره ساسانی را در زمان شاهان اولیه ساسانی دستخوش تغییرات کلی و اساسی شده است. به ویژه که کتیبه با فهرست ایالاتی که به دولت ساسانی تعلق داشته آغاز می‌شود و نشانگر آن است که دامنه متصرفات ساسانیان بیشتر از آنچه که تاکنون تصور می‌شده و در متون آمده است وسعت داشته، مخصوصاً در مشرق و شمال شرقی، در مغرب ارمنستان و گرجستان و تمام دره کرتا، معبد آلان (آران) در قفقاز به دومین شاه ساسانی (۲۴۱-۲۷۳ م) تعلق داشته است و با فتوحاتی که نصیب این پادشاه شده است، سوریه و انطاکیه نیز جزء متصرفات ایران ساسانی شده است (همان، ۲۴۷).

شهر و شهرسازی ساسانیان

شکل شهرهای این دوره، بصورت مستطیلی، مربعی، دایره‌ای، شطرنجی و گاه بصورت اشکال جانوران و اشیاء بوده (عباس، ۱۳۴۸: ۷۸)، که بر حسب شرایط مکانی و زمانی و نقشی که می‌توانست یک شهر ایفا کند و نیز اعتقادات و باورهای مذهبی و دینی مردم تعیین می‌شده است. نقش مذهب و باورها و اعتقادات دینی در شکل شهر، تقسیم شدن آن به محلات مختلف و عناصر شهر، یک نقش مهم و تعیین کننده بوده است (فرید، ۱۳۷۱، ص ۹۴). در شکل شهرهایی که به صورت دایره‌ای و یا شطرنجی

توفان‌های حوادث و بیدادگر سرزمین حاصلخیز و پربرکت، خوزستان را دگرگون کرده است، باز زمین‌های میان دزفول و شوشتر و شوش از نواحی پرخیر و برکت و آبادان خوزستان، به شمار می‌رود. برجای خرابه‌های جندی شاپور قدیم، امروزه دهکده‌ای به نام شاه آباد به چشم می‌خورد که سیصد و چهل سال پیش حاکم وقت خوزستان، فتحعلی خان آنرا بنیاد نهاده است. آرامگاه یعقوب لیث صفاری در همین دهکده قرار دارد و عامه مردم آن را آرامگاه شاه ابوالقاسم می‌نامند (نخعی، ۱۳۵۷: شماره ۷۶، صص ۹-۱۳۸).

وجه تسمیه و بنای جندی شاپور

از گفته‌های اغلب مورخان و جغرافیا نویسان چنین بر می‌آید که نام اصلی گندی شاپور (وه اندیوشاه پوهر veh-Andivi-shahpuhr) به معنی (به از انطاکیه شاهپور) و به عبارت دیگر (شهر شاهپور بهتر از انطاکیه) بوده است و معرف این اسم جندی‌ساپور یا جندی شاپور می‌باشد؛ چنانکه حمزه بن حسن اصفهانی در این مورد می‌نویسد: «و اما به از اندیوشاپور فمدینه من مدن خوزستان وهی الی عربوها قالوا جندی شاپور و اما اشتقاقها بالفارسیه فان اسم انطاکیه و به اسم للخیر ومعناه خیرمن انطاکیه» (اصفهانی، ۱۳۴۰، صص ۵-۳۴). در کتاب مجمل التواریخ والقصص آمده است که به اندیو نام انطاکیه است بزبان پهلوی، به از اندیو یعنی از انطاکیه بهتر است. (بهار، ۱۳۱۸، ص ۶۴). نام این شهر در اصل وه انتیوک شاپور بوده است یعنی شهر شاپور که به از انطاکیه است. بعدها این واژه به وندی شاپور و گندی

شاپور و دردوره اسلامی به جندی شاپور معروف شده است (اشپولر، ۱۳۶۴، ص ۱۶).

گویا شهر جندی شاپور به وسیله اسیران رومی ساخته شده بود و ساکنان آن بیشتر از مردم انطاکیه بودند (پیرنیا، ۱۸۵). جندی شاپور شهری مهمی بود که در زمان ساسانیان پایتخت و مرکز سلطنت بوده است (مقدسی، ۱۳۶۱، ص ۶۰۶). شاپور دختر اورلینوس امپراطور روم را به زنی گرفت. شهری برای او مانند بوزنطیا در ایران بنا کرد و آن را جندی شاپور نامید (ابن‌عبری، ۱۳۶۴: ۱۲۸). شاپور اول شهر جندی شاپور را ساخت که نام آن به زبان خوزی، نیلاط است و مردم خوزستان به آن نیلاب می‌گویند (دینوری، ۱۳۶۶، ص ۷۳). شاپور، والرین امپراطور روم، را به اسارت در آورده بود و تعدادی از اسیران دیگر رومی را در شهر نوساخته به نام جندی شاپور سکونت داد (زرین‌کوب، ۱۳۷۸، ص ۱۹۵). شاپور از جمله شهرهایی که گشود قالوقیه و قدوقیه (کلیکه و کاپادوکیه) بود و در انطاکیه، والرینوس پادشاه روم را محاصره کرد و به اسیری گرفت و با گروهی بسیار، به جندی شاپور مقرر داد (طبری، ۱۳۶۲، ص ۵۹۰). جندی شاپور یکی از شهرهای خوزستان که از بناهای شاپور اردشیر است. وی اسیرانی که از روم گرفته بود به آنجا اعزام کرد و ساخلویی در آنجا بنا نهاد (حموی، ۱۹۶۵، ص ۱۳۰).

بنای این شهر را بسیاری از مورخان، به شاپور اول فرزند اردشیر، مؤسس سلسله ساسانی نسبت می‌دهند، چون شاهپور بر والرین امپراطور روم غالب آمد، دستور داد اسیران رومی شهری برای سکونت خود بسازند و این شهر همان گندی شاپور است. گریشمن می‌نویسد که وی (مقصود شاهپور اول) نزدیک الرها (fdessa یا اورفا)، فتحی عظیم کرد و

ساسانیان روش طرح مستطیل را ترجیح دادند و هم آهنگی شهر را با وضع طبیعی زمین، در نظر گرفتند. در شهر بیشاپور و همچنین در گندیشاپور (میان دزفول و شوشتر کنونی) همین طرح مستطیل را بکار بردند. این دو شهر شباهت به اردوگاه‌های رومی داشتند و شاید برای جا دادن اسرای رومی و به کمک خود آنها ساخته شده بودند (ممتحن، ۱۳۴۵، صص ۹-۵۸). گندی شاپور تا قرن چهارم هجری معمور و آبادان بوده و در تقسیمات سیاسی خوزستان نقش عمده داشته است. مقدسی می‌نویسد «جندی شاپور قصبه‌ای آباد و شهری کهن است. مرکز این سرزمین و جایگاه سلطان بود ولی اکنون ویران شده، به دست کردان افتاده، ستم آن را فرا گرفته است» دیالافوا در مورد انحطاط و ویرانی گندیشاپور می‌نویسد «تاریخ انحطاط و از بین رفتن این شهر از قرن سیزدهم شروع شده است، یعنی در موقعی که شهر شوشتر بوجود آمد و به تدریج یکی از شهرهای مهم ایران گردید، شهر جندیرا چنان تحت الشعاع قرار داد که بعدها نام آن هم از خاطره‌ها محو گردید» (دیالافوا، ۱۳۶۱، ص ۶۵۱).

وقایع مهم تاریخی جندی شاپور

معروف است که شاپور اول پس از غلبه بر والریانوس، امپراتور روم را به گندی شاپور آورد و وی در حال اسارت، در این شهر درگذشت (نجم آبادی، ۱۳۴۱: ۱). دیگر از وقایع مهمی که در این شهر باستانی صورت گرفت، قتل مانی بود. با آغاز پادشاهی بهرام اول، وضعیت مانویان دگرگون شد و در موقع خطرناکی قرار گرفت. بهرام که سست عنصر و ضعیف النفس بود، آلت دست کرتیر شد و در جریان اقدامات شدیدی که این موبد هراس انگیز

امپراتور والریانوس را با هفتاد هزار لژیونر رومی اسیر گرفت و آنان را به ایران رهسپار کرد (۲۶۰م). این عده در شهرهایی که خود آنها طبق طرح اردوگاه‌های نظامی رومی بنا کردند، استقرار یافتند ایشان به عنوان متخصص معمار، مهندس و اهل فن در تحقق دادن کارهای عظیم عام المنفعه مخصوصاً بنای پل‌ها و سدها و طرق بایرانیان مساعدت کردند و از خدمات آنان ایالت پر ثروت خوزستان، فواید بسیار برگرفت و بعضی آثار و بقایای آن عهد، هنوز در زمان ما قابل استفاده است. شاپور پسر اردشیر بعد از غلبه بر قیصر امپراتور روم و تسخیر انطاکیه دختر او را بزنی گرفت و شهری برای او بساخت، مانند قسطنطنیه و آن شهر جندی شاپور است (ممتحن، ۱۳۴۵، شماره ۵، ص ۱۳).

طرح و نقشه جندی شاپور

شهر گندی شاپور مستطیلی شکل و بمانند شطرنج، دارای هشت خیابان طولی و هشت خیابان عرضی بوده است که خیابان‌ها یکدیگر را قطع می‌کرده‌اند. نقشه شهرهای شاپور اول مانند دوره پارتیها بود. از عصر شاپور اول اصول شهرسازی تغییر کرد و معماری رومی و مخصوصاً سبک هیپودامیس، در معماری معمول گردید. گیرشمن در این باره چنین می‌نویسد: «که خرابه‌های این شهر (مقصود گندی شاپور) بین دزفول و شوشتر واقع شده است و تقریباً سراسر آن در زیر گاوآهن منهدم شده است». طرح آن عبارتست از مستطیلی وسیع که شباهتش به طرح اردوگاه نظامی رومی دارد، همین امر را ما در ایوان کرخه، نزدیک شوش ملاحظه کرده‌ایم. معماری ساسانی با تفاوت‌ها و تحولاتی دنباله معماری اشکانی است. در شهر سازی،

ساسانی، در احیای آیین مزدیسنا و تقویت نفوذ موبدان به جا آورد، کیش مانی هم مانند سایر ادیان غیرزرتشتی، مورد تعقیب و سرکوب قرار گرفت. سرانجام نفوذ کرتیر منجر به توقیف و محاکمه مانی شد. محاکمه‌اش چهار روز طول کشید و سپس او را به زنجیر کشیده، ۲۶ روز در زندان نگاه داشتند و پس از روزها آزار و شکنجه او را کشتند. پیکرش را مثله کردند و پوستش را از گاه آکندند و سرش را جدا کرده و بر یکی از دروازه‌های شهر جندی شاپور آویختند که از آن پس به دروازه باب مانی شهرت یافت (زرین کوب، ۱۳۸۵، ۲۸). زمان شاپور دوم ذوالا کتاف (۳۱۰-۳۸۹م) گندی شاپور ظاهراً دچار حملات خارجی گردیده و ویرانی در آن راه یافته و باز بدست این شاهنشاه، تعمیر شده و او سی سال آنجا را پایتخت خود کرد (صفا، ۱۳۳۵، ص ۹۶).

در زمان خسرو انوشیروان، انقلابی در گندی شاپور با رهبری انوشه‌زاد، فرزندش که از مادری مسیحی بود، روی داد. انوشه زاد بر دین مادر ماند و آیین پدر را نپذیرفت. چون آداب و رسوم زرتشتی را تحقیر می‌کرد و موبدان هم بر او اتهاماتی بستند، خسرو او را از دربار راند و در جندی شاپور به زندان افکند یا به آنجا تبعیدش کرد. در جریان لشکر کشی اول خسرو به روم، وقتی خبر بیماری سخت شاهنشاه شایع شد، انوشه زاد هم فرصت را مناسب یافت و برای جانشینی پدر دست به اقدام زد. وی مسیحیان جندی شاپور را به گرد خود جمع کرد، زندانیان را آزاد کرد و پس از اینکه حکام و عمال پدرش را از بخشی از خوزستان بیرون کرد، با اعلام مرگ خسرو، خود را پادشاه خواند. اما خسرو که بر خلاف انتظار شاهزاده، از بیماری شفا یافته بود، به نایب السلطنه‌اش که در تیسفون مستقر بود، فرمان

سرکوب شورش را صادر کرد. انوشه زاد دستگیر شد و همزمان با بازگشت خسرو انوشیروان به تیسفون به امر او مجازات شد (۵۵۰ یا ۵۵۱م). (زرین کوب، ۱۳۸۵، صص ۷-۸۶). در زمان ساسانیان تجارت رونق زیادی داشت و ایران به علت موقعیت ویژه‌ای که داشت، واسط تجارت بین شرق و غرب بود. به این ترتیب که مال التجاره‌هایی که از چین و هند و آسیای مرکزی، به مقصد غرب فرستاده می‌شد، باید از ایران و یا از ممالک تابعه آن عبور کند و حکومت ساسانی از این موقعیت، حداکثر استفاده را می‌کرد. چون بازرگانان خارجی وقتی به مرز ایران وارد می‌شدند، بایستی اجناسشان را در گمرک نشان دهند و بر طبق ضابطه‌ای که معین شده بود، حقوق گمرکی بپردازند. از چین ابریشم و کاغذ و از هند، ادویه مانند فلفل و دارچین و زنجبیل وارد می‌شد و از ایران نیز منسوجات زربفت، پارچه‌های پشمی و حتی ابریشمی و زردوزی و بافته‌های گلیم و قالی و همچنین پوست و احجار کریمه، بخصوص مروارید و مرجان، به خارج صادر می‌شد. تولید پارچه در زمان ساسانیان، پیشرفت جالب توجهی کرد و کارگاه‌های نساجی، در نقاط مختلف بویژه در بیشاپور، شوشتر، جندی شاپور و سایر نقاط دایر گردید و مرغوبیت آنها باعث جلب توجه مشتریان زیادی، در خارج از ایران شد. مرکز بافت پارچه‌های ابریشمی و حریر که مدت‌ها جزو اسرار کشور چین بود، سرانجام در دوره ساسانی، در کارگاه‌های شوشتر و جندی شاپور بافته می‌شد (سرفراز، فیروزمندی، ۱۳۸۳، ص ۲۵۵).

شاپور دوم (۳۰۶-۳۸۰م) شهر جندی شاپور را گسترش داده و دانشگاه معروف آن را بنا نهاد. این دانشگاه دارای یک رصد خانه بود و علوم

(۲۳۹). در مدرسه پزشکی جندی شاپور احیانا زبان‌های غیر پهلوی نیز آموزش داده می‌شده است. چنان که زرین‌کوب می‌نویسد: برزویه قبل از مسافرت به هند، در جندی شاپور یا جای دیگر به زبان هندی آشنایی یافته بود و از معارفان هندوان، آن اندازه آگاهی داشته که بتواند نزد دانایان و برهمنان قوم، با نظر قبول تلقی گردد (همان، ۲۶۷).

وضعیت علمی و آموزشی در دوره ساسانیان

ساسانیان با عمل به آداب و سنن هخامنشی که در واقع بازگشت به سوی شرق و آسیا بود، واکنشی در جهت عکس اشکانیان از خود نشان دادند و بدین ترتیب بار دیگر آداب و رسوم کهن ایرانی احیاء گردید؛ از جمله دین قدیم زرتشتی رواج یافت و سیاست تعرض و کشور گشایی، در پیش گرفته شد. به طوری که شاهنشاهی ساسانی برای مشرق زمین نمونه یک دولت بسیار منظم به شمار می‌رفت. ادبیات ملی و عمومی که از نسلی به نسل دیگر با روایات شفاهی، منتقل شد و از معتقدات مردم و حیات ملت، متمتع می‌گردید، در عهد ساسانیان جای خود را به ادبیات مکتوب داد. ترجمه آثار خارجی از زبان‌های یونانی، لاتین و هندی در عهد شاپور اول، شروع شد و مخصوصاً در عهد خسرو اول، رونق گرفت. اندیشه‌های غربی که در این عهد در ایران نفوذ کرد، با افکاری که از هند منتقل می‌گردید، درهم آمیخت، تنویر افکار روشن ایرانی را در پی داشت. مقام پزشک در دوره ساسانی ارجمند بود و تا درجه مشاوره پادشاه، ارتقاء یافت. رئیس همه پزشکان جسمانی (دلران درستبد) و رئیس همه طبیبان، اعم از روحانی و جسمانی (زورترشترم) نامیده می‌شدند که شاید همان لقب موبدان موبد بوده است.

خداشناسی و پزشکی نیز در آن تدریس می‌شد و علاوه بر آن دارای یک بیمارستان نیز بود. آزادی مذهب که شاپور دوم آن را اشاعه کرده بود، به مذاق تمام ساکنین این شهر از مذاهب مختلف خوش آمده بود. همچنین استفاده از دانشمندان علوم مختلف در این زمان، سبب شد تا یک سیستم پزشکی پیشرفته به وجود آید که همگام با سیستم قبلی که سیستم‌های ملی، پارسی، هندی و یونانی خوانده می‌شد، پیش رود (Abbot, 1968: 72).

در زمان شاپور دوم، تئودوروس پزشک عیسوی، برای معالجه وی، به دربار او آمد. شاپور دوم او را گرمی و مغتنم شمرد و او را در جندی شاپور نگاه داشت. هدف شاپور این بود که تئودوروس به تدریس علم طب بپردازد (سامی، ۱۳۴۲، ص ۱۱۸). شاپور دوم پس از فتوحاتش در سوریا، اندیشید که می‌بایست صنعتگران سوریایی را برای ایجاد کارخانه‌هایی در خوزستان به ایوان کرخه، گندی شاپور و شوشتر، به ایران انتقال دهد (گیرشمن، ۱۳۷۰، ص ۲۲۶).

خسرو انوشیروان در این شهر، بیمارستان بزرگی بنا کرد و بر توسعه دانشکده پزشکی آن افزود که تا نیمه دوره خلفای عباسی دایر و مرکز تعلیم و تعلم پزشکی بود. گروهی از مدرسان آن دانشکده، دانشمندان و پزشکان رومی بودند که در زمان ژوستینیان، امپراطور روم، به دربار خسرو انوشیروان پناهنده شدند. ولی بعدها پزشکان ایران، خود از جمله مدرسان آن مرکز طبی گردیدند (سامی، ص ۱۱۹). در مدرسه طبی که خسرو انوشیروان در جندی شاپور تأسیس کرد به دستور او کتاب‌های فلسفی و طبی و احیاناً هندی، به سریانی و پهلوی ترجمه و در آن مدرسه تدریس می‌شد (زرین‌کوب، ۱۳۷۸).

نظریه‌های جدید و روش‌های نوین دانش طبابت، در گندی شاپور تشکیل می‌شده است. اعتبار مرکز علمی گندی شاپور در اواخر حکومت ساسانی و سلطنت انوشیروان افزوده گشت. پس از تعطیلی مدرسه فلسفه آتن در ۵۲۹م و تعدی‌های که به حکیمان روا شد، هفت تن به تیسفون پایتخت ساسانیان پناهنده شدند و مورد مرحمت و مهمان نوازی قرار گرفتند. این حادثه تأثیر فرهنگی عظیمی به جا گذاشت (محمودآبادی، ۱۳۸۴، صص ۱۹-۱۸).

وضعیت طب پزشکی جندی شاپور پس از اسلام

اداره جندی شاپور بعد از اسلام، تا سال ۲۶۵هـ ق برعهده خاندان بختیشوع بود و آخرین فرد این خاندان جبرئیل نام داشت. در کل روح مسیحی بر جندی شاپور حاکم بود و آخرین فرد این خاندان بختیشوع بود و از عنصر زرتشتی کمتر اثری دیده می‌شد. دلیل این امر، حضور طبیبان ماهر، مسیحی به خصوص خاندان بختیشوع بود. در این مرکز علمی، دانشجویان و دانش پژوهان از مناطق مختلف جمع شده بودند و محور اصلی فعالیت علمی آنان مقوله طب بود. شاید یک دلیل اهمیت این علم در آن زمان شیوع بیماری‌های واگیردار، مانند سل، طاعون، آبله، و تب بوده است. به دلیل فتح این شهر همراه با صلح، تغییرات زیادی در فعالیت علمی آن صورت نگرفت. تنها کار بیمارستان آن رونق زیادی یافت. اولین تأثیر جندی شاپور بر جهان اسلام، تأسیس بیمارستان در سایر نواحی بود. عرب‌ها احداث بیمارستان را از ایرانیان آموختند. در سال ۸۸ هـ ق ولید بن عبدالملک بیمارستان دمشق را مانند بیمارستان جندی شاپور تأسیس کرد. تا انقراض دولت اموی تنها بیمارستان مسلمان غیر از جندی

با وجودی که بسیاری از کتاب‌ها و آثار علمی ایران ساسانی، به دست حوادث روزگار، معدوم گردیده است با این همه مدارک موجود، درباره جنبش‌های علمی و تأسیس مکاتب و دانشگاه‌ها و کتابخانه‌ها در دوره درخشان ساسانی، به مراتب پیش از دوره‌های پیش بوده و شهریاران ساسانی در خصوص نشر علوم و ارتقاء دانشمندان، علاقه و توجه شدیدی مبذول داشته و روی هم رفته، پیشرفت‌های علمی و فرهنگی در این دوره، دارای اهمیت فراوانی می‌باشد این جنبش علمی و هنری در این دوره از زمان اردشیر بنیان‌گذار شاهنشاه ساسانی و شاهپور اول، جانشین او، آغاز و در زمان خسرو اول به متتها درجه ترقی و عظمت خود رسید. ساسانیان در ایران چندین مدرسه تأسیس کردند، از جمله در ریواردشیر (در ناحیه ارجان) که متخصصان رسم الخط مخصوص در آن حضور داشتند و کتاب‌های پزشکی وستاره شناسی و جادوگری می نوشتند. همچنین از دانشگاه‌های مهم زمان ساسانیان که تا چند قرن بعد از آنها نیز از مراکز مهم علمی و طبی و فلسفی شرق میانه محسوب می‌شد (محمودآبادی، ۱۳۸۴، صص ۷-۸)

پیشینه علم طب در جندی شاپور

استادان این دانشگاه به علم طب بیش از فلسفه و ریاضیات توجه داشتند به طوری که اصول و روش‌های طبی این دانشگاه بر پزشکی یونانی و هند، هم از جنبه‌های علمی و هم از لحاظ نظری برتری داشت. علت اصلی این برتری، تحقیقی و تلفیقی بودن علوم، به خصوص پزشکی بود؛ یعنی در آن جا از محاسن پزشکی همه اقوام بهره می‌گرفتند و به نظر می‌رسد که کنگره‌های پزشکی نیز برای ارائه

بختیشوع و ماسویه، این آفتاب درخشان رو به غروب نهاد. پس از چند سال، شماری از عالمان، تنها در رشته‌های نجوم و ریاضیات، آن هم به صورت نه چندان قوی، در آن جا به فعالیت پرداختند (همان، ۱۵). از جمله دلایل مهاجرت دانشمندان جندی شاپور به بغداد می‌توان به شرح زیر دانست:

۱. احضار عده‌ای از دانشمندان جندی شاپور که اغلب آنان پزشک بودند به دستور خلفای عباسی، زیرا به پزشکان عرب بی‌اعتماد بودند.
۲. برتری یافتن حوزه علمی بغداد بر جندی شاپور به دلیل کمک‌های خلفا و وزیران عباسی و علم دوستی آنان.
۳. تأسیس بیت الحکمه به دست هارون، خلیفه عباسی، رقیبی سخت برای جندی شاپور در زمینه علمی ایجاد کرد.
۴. رقابت خاندان‌های ایرانی برای نفوذ در دربار عباسیان، به خصوص خاندان بختیشوع و ماسویه... (مسعودی، ۱۳۷۰، ص ۳۶۷).

نتیجه‌گیری

شهر جندی شاپور برای اولین بار در زمان شاپور اول و به دست اسرای رومی و با نقشه شهری شطرنجی بنیان نهاده شد. پادشاهان ساسانی در خصوص نشر علوم و ارتقاء جایگاه دانشمندان، سعی و اهتمام زیادی نموده‌اند. ترجمه آثار خارجی از زبان‌های یونانی، لاتین و هندی در عهد شاپور اول، شروع و در عهد خسرو اول، رونق گرفت. مقام پزشکان در دوره ساسانی بسیار ارجمند بوده و تا درجه مشاوره پادشاه، ارتقاء یافته است. در زمان شاپور دوم شهر جندی شاپور گسترش داده شد و دانشگاه معروف آن تأسیس گردید. این دانشگاه

شاپور، بیمارستان دمشق بود (محمودآبادی، ۱۳۸۴، صص ۱۴-۱۳). با پیدایش دولت عباسیان وضع علمی جهان اسلام به خصوص جندی شاپور، تغییر یافت و در این تغییر اقتباس اعراب از دست آورده‌های علمی ایرانیان گسترش یافت. نخستین تأثیر جندی شاپور در دولت عباسیان، در سال ۱۴۸هـ ق ۷۶۵م روی داد. در این سال منصور خلیفه عباسی به مریضی سوء هاضمه دچار شده بود و طبیبان دربار عباسی موفق به علاج او نشده بودند او که آوازه پزشکان جندی شاپور را شنیده بود، به فکر استفاده از آنان افتاد. معروف‌ترین پزشک جندی شاپور «جرجیس» از خاندان بختیشوع بود. وی علاوه بر ریاست بیمارستان و مرکز پزشکی جندی شاپور در طبابت شهرت زیادی داشت به غیر از جرجیس، افراد این خاندان تا قرن پنجم هجری پیوسته از پزشکان برجسته به شمار می‌رفتند، علاوه بر خاندان بختیشوع، «ماسویه» نیز پزشک درس ناخوانده و دارو فروش بود که به مدت سی سال در داروخانه بیمارستان جندی شاپور کار کرده و تجربیاتی اندوخته بود. او عازم بغداد شد و در آنجا در رشته چشم پزشکی شهرت یافت و به عنوان پزشک مخصوص دربار هارون الرشید به رقابت با جبرائیل ابن بختیشوع پرداخت. هارون پس از تأسیس دومین بیمارستان، به تقلید از جندی شاپور ماسویه را به ریاست آن برگزید. به دنبال تأسیس دومین بیمارستان بغداد، از جندی شاپور، ماسویه را به ریاست آن برگزید. به دنبال تأسیس بیمارستان بغداد، در سایر شهرها نیز به تقلید از بغداد، بیمارستان‌هایی ساخته شد. بیمارستان جندی شاپور تا پیش از تأسیس بیمارستان هارون در بغداد، هم چنان پر رونق بود اما پس از این زمان با مهاجرت استادان و پزشکان، به خصوص خاندان

دارای یک رصد خانه بود و علوم خدانشناسی و پزشکی نیز در آن تدریس می‌شد و علاوه بر آن دارای یک بیمارستان بود. استفاده از دانشمندان علوم مختلف در این زمان، سبب شد تا یک سیستم پزشکی پیشرفته به وجود آید. در زمان خسرو انوشیروان بیمارستان بزرگی در این شهر تأسیس گردید و دانشگاه پزشکی آن توسعه داده شد که تا نیمه دوره خلفای عباسی دایر و مرکز تعلیم و تعلم پزشکی بود. در مدرسه طبی که خسرو انوشیروان در جندی شاپور تاسیس کرد به دستور او کتاب‌های فلسفی و طبی و احیانا هندی، به سریانی و پهلوی ترجمه و در آن مدرسه تدریس می‌شد.

پس از اسلام نیز جندی شاپور به دلیل مرکزیت علمی، اهمیت خود را حفظ نمود. این وضعیت بخصوص در دوره اموی بسیار بارز بوده است. در این دوره و در این شهر، دانشجویان و دانش پژوهانی از مناطق مختلف گرد هم آمده و محور اصلی فعالیت علمی آنان مقوله طب بود. از جمله مهمترین دلایل اهمیت این شهر در این دوره را می‌توان در شیوع بیماری‌های واگیرداری مانند سل، طاعون، آبله، و تب دانست. شاید بتوان مهمترین تأثیر جندی شاپور را بر دنیای اسلام، تاسیس بیمارستان‌های مختلف در سایر بلاد عنوان نمود. به گونه‌ای که تنها بیمارستان غیر از بیمارستان جندی شاپور در دنیای اسلام بیمارستان دمشق بوده که به مانند آن احداث گردید. در دوره عباسی نیز جندی شاپور اهمیت خود را به خصوص در اوایل آن دوره، حفظ نمود و خلفای عباسی به پیروی از جندی شاپور بیمارستان‌هایی در بغداد تأسیس و ریاست آن را نیز به پزشکان حاذق جندی شاپور سپردند. اما بتدریج و با مهاجرت پزشکان ماهر این شهر به بغداد در سایه حمایت خلفای

عباسی شهر جندی شاپور اهمیت خود را از دست داد. به گونه‌ای که در طول قرون دوم و سوم هجری لطامات و ویرانی‌های زیادی بر آن وارد گردید و سرانجام در اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم هجری قمری، به کلی ویران و متروک گردید.

منابع و مأخذ

- ۱- ابن‌عبری، ۱۳۶۴. *مختصر الدول*، ترجمه محمدعلی تاج‌پور و حشمت‌الله ریاضی، انتشارات اطلاعات.
- ۲- اشپولر، برتولد، ۱۳۶۴. *تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی*، ترجمه فلاطوری، چاپ دوم، انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۳- اصفهانی، حمزه، ۱۳۴۰. *سنی ملوک الارض والانبیاء*، چاپ بران.
- ۴- بهار، محمدتقی، ۱۳۱۸. *تصحیح مجمل التواریخ و القصص*، انتشارات تهران.
- ۵- پیرنیا، حسن، ۱۳۸۰. *تاریخ ایران از آغاز تا انقراض ساسانیان*، جلد ۱، انتشارات خیام نشر بی تا.
- ۶- حموی، یاقوت، ۱۹۶۵. *معجم البلدان*، الجلد الثانی، مکتب الاسدی، بظهران.
- ۷- دیالافوا، ژان، ۱۳۶۱. *سفرنامه*، ترجمه فره وش، انتشارات خیام، تهران.
- ۸- دینوری، ابوحنیفه، ۱۳۶۶. *اخبار الطول*، ترجمه محمود مهدوی، نشر نی.
- ۹- زرین‌کوب، عبدالحسین، ۱۳۷۸. *روزگاران*، انتشارات سخن.
- ۱۰- زرین‌کوب، عبدالحسین، ۱۳۸۵. *روزبه*، *تاریخ ایران باستان*، چاپ سوم، انتشارات سمت.
- ۱۱- سامی، علی، ۱۳۴۲. *تمدن ساسانی*، جلد ۲، دانشگاه پهلوی.

- ۱۲- سرفراز، علی اکبر و فیروزمندی، بهمن، ۱۳۸۳. باستان شناسی و هنر دوران تاریخی، ماد، هخامنشی، اشکانی، ساسانی، چاپ دوم، انتشارات عفاف.
- ۱۳- سلطانزاده، حسین، ۱۳۶۴. تاریخ مدارس ایران از عهد باستان تا تاسیس دارالفنون، انتشارات آگاه.
- ۱۴- صفا، ذبیح الله، ۱۳۳۵. تاریخ ادبیات در ایران، جلد ۱، چاپ دوم.
- ۱۵- طبری، محمدبن جریر، ۱۳۶۲. تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، جلد ۲، انتشارات اساطیر.
- ۱۶- عباس، احسان، ۱۳۴۸. پژوهش عهد اردشیر، ترجمه محمدعلی امام شوشتری، انجمن آثار ملی.
- ۱۷- فرید، یداله، ۱۳۷۱. جغرافیا و شهرسازی، دانشگاه تبریز.
- ۱۸- گیرشمن، رومن، ۱۳۷۰. هنر ایران دوران پارسی و ساسانی، ترجمه فره وشی، انتشارات علمی فرهنگی.
- ۱۹- مسعودی، علی بن حسین، ۱۳۷۰. مروج الذهب، ترجمه ابوالقاسم پاینده، چاپ چهارم، انتشارات علمی فرهنگی، تهران.
- ۲۰- محمودآبادی، اصغر، ۱۳۸۴. دانشگاه جندی شاپور، سال ششم، شماره ۲۳.
- ۲۱- مقدسی، ۱۳۷۷. احسن التقاسیم و...، ترجمه مرتضی ثاقب فر، جلد ۲، انتشارات ققنوس.
- ۲۲- ممتحن، حسین علی، ۱۳۴۵. نشریه روان شناسی و علوم تربیت آموزش و پرورش، تعلیم و تربیت، دوره سی و ششم، شماره ۵.
- ۲۳- ممتحن، حسین علی، ۱۳۴۵. نشریه روان شناسی و علوم تربیت آموزش و پرورش تعلیم و تربیت، دوره سی و ششم، شماره ۶.
- ۲۴- نجم آبادی، محمود، ۱۳۴۱. تاریخ طب ایران، جلد ۱، انتشارات تهران.
- ۲۵- نخعی، حسین، ۱۳۵۷. نشریه تاریخ «بررسی های تاریخی»، شماره ۷۶، خرداد و تیرماه.
- ۲۶- هرمان، جورجینا، ۱۳۷۳. تجدید حیات هنر و تمدن در ایران باستان، مترجم مهرداد وحدتی، انتشارات نشر دانشگاهی، تهران.
- ۲۷- هوف، دیترش، ۱۳۶۵. شهرهای دوره ساسانی، در نظری اجمالی به شهرنشینی و شهرسازی در ایران، به کوشش محمد یوسف کیانی، چاپ ارشاد اسلامی.

28-Nabia, Abbott, 1968 , *Jundi Shapur, a preliminary historic sketch, Art Orientalis*, vol 7, pp 71-73.